

قیمت سالیانه  
ازوزرا واعیان دولت بقدر  
معارف دوستی شان

برای مکاتب ملی و کتب خانهای ملی  
و معاونین و وقایع نکاران (فخری)  
را یگان

از عموم خریداران در داخله  
(۱۲) روپیه کابلی در خارجه  
هم پوند انگلیسی با محصول پوسته  
از طلا و محصلین نصف قیمت  
نشما هه

داخله خارجه  
.....  
.....

قیمت یک شماره یک عباری  
(۸) روپیه (۷) شانگ

درین جریده از هر کونه علوم و وقایع سیاسی  
و منافع دولتی و فوائد ملی بحث میشود

اداره خانه  
(ده افغانستان کابل)

سر دیر  
سید محمد قاسم

مه امور تحریر یه بنام  
اداره فرستاده شود  
اداره در انتشار و اصلاح مقلاط  
وارده مختار است

هر هفته یکبار نشر میشود  
او را که درج نشود اعاده نمیشود

# امان وحدت

۱۳۷

از ابتدای وطن هر که اهل دیده شد بدون خواهش  
جریده برایش فرستاده میشود

تاریخ شمسی اول عقرب ۱۳۰۴ هجری

(شنبه)

تاریخ فری (۵) ربیع الثاني (۱۳۰۴) هجری

موقع و فرست نداد که احساسات خودم را بشما میگفتم : ازین  
است که شما امروز خواستم که باشما حرف بزنم .  
مقصدم از آمدن بقدھار اولاً تشرف « بحرقة مبارکه »  
و باز ملاقات نمودن باشما و احوال شیما عزیزان خودرا بخوبیش  
معلوم ننمودن بود . در ضمن آن خواستم که کار روانی های  
مامورین را تفتشی و از صورت اجرا آت نظامهای دولتی که دو  
تدوین آن خون جگر خورده ام نیز اطلاعاتی بخود حاصل کنم  
و این مسئله را هم بخود معلوم کنم که آیا کدام قیله ازین  
اقوام عزیزم پیشتر در اطاعت و فرمان برداری نایب الحکومه  
صاحب و باقی مامورین حکومت کوشش نموده رضای مرآ از  
خود حاصل کرده اند ؟ و چه اشخاصی بمقابل او امر حکومت  
مقامی خویش سی ویانی امری کرده است تا ز آنها باز خواست  
کرده شود گمان نکنید که من بکدام دیگر مطلب که علاوه  
بر حیزه های پیشتر ازین بشما گفتم بقدھار آمده ام زیرا اگر  
مقصد از اجرانمودن کدام امری بالای تان میبود همانا که از مرکز  
کابل به نایب الحکومه صاحب احکام اصدر میکرم و یادیگر کسی  
را بشما میفرستادم . چنانچه وزیر صاحب داخلیه را اولاً برای  
اخد فوجی و متعاقباً برای اجرا آت عده بقدھار رو آنه نمودم .

بلي در چزهاییکه من آنها را خاص برای ترق افغانستان  
و تعالی و نیکنامی شما ملت غیور افغان دردن هست و شب و روز  
فکر آبادی شما و غم عالم اسلام را بدل می بروانم . نمی خواهم  
که باشما حرف بزنم یا ننم بلکه بصورت قطعی و حکمی آن  
اوامر حکومت را که در نظامات دولت متوجه تان واضح است  
بالای تام افغانستان بدون تفرق اجرا کردی هست . و زیاده

## نطق اعلیحضرت غازی در موضوع

تشریف آوری شان

(به قندھار)

اعلیحضرت غازی روز اول ورود مسعود شاهله شان  
به قندھار و عدم داده بودند که در یک روز مخصوص در خصوص  
تشریف آوری خود به قندھار بحضور عموم اظہارات جواهند  
نمود : همان بود که روز چهار شنبه (۲۱) میزان به ساعت (۶)  
بعد ظهر صنف نظامی و کشوری و عموم اهالی در میدان بزرگ  
(ارگ) و جلو برج شاهی برای استعاء گفتار گهر بار ملوکانه  
انتظار می کشیدند . اما اعلیحضرت غازی از فرط لطفیکه نسبت  
به کافه ملت خود دارند و امور را با کمال باریکی دقت میفرمایند  
چنان تصور نمودند که کلیه حاضرین بوجه تکثیر شان از بلندی  
برج کلام ملوکانه شان کاملاً شنیده نخواهند توانست بناء علیه  
از برج فرود آمده بسواری اسپ در وسط اهالی که تمام میدان  
را اشغال نموده بودند استاده نطق ذیل را بزبان افغانی  
ایراد نمودند :

عزیزان من !

اولاً احوال سلامتی شمارا می برسم : و شکر میکنم که شما  
را جوز و تیار دیدم . بروز ورودم در قندھار اظہارات جوش  
و خروش و محبتی را که بحضورم نمودید . در خرسندی من از خودها  
بسیار افزودید — در آن روز با وجودیک قصد داشتم باشما حرف  
خواهم زد ، لکن آن خیر مقدمهای پراز محبت و گر مجبوشهای  
بنی همایت و ازدحام خارج از کلام و غلطله های شاذمانی شما بگن

برآن بالای احدی هیچ تکلیف را روا دار نمیشوم .  
درین روزها کار تئیش مامورین سر دست رفای ماست  
بعد از دو سه روز یک آنها از تئیش فارغ شدند خودم بالذات  
دران امور علم آوری و سپس ازان در بار میکنم و از حسن  
وقح مامورین دولت و خوی و خرازی رعیت بحضور شما  
توضیحات میدهم و بدآنها مجازات و مکافات میدهم ، عرضهای  
که متعلق بن است و در اعلان جداگانه آن مواد نشر گردیده  
است بتوسط شاغامی حضور بن نمایند که جوابات باقاعدۀ  
تان را بگویم .

دعا میکنم که خداوند افغانستان را ترقی های بلندی نصیب  
کناد و تمام ملت افغان مخصوصاً اقام غور قدهار را درین  
و هنیا سرخ رو و سر بلند و یکنام دارد ، و شمارا به آن منافع  
و آنادی و عنتری نمایند تراز خیال من است و شب و روز آرزو  
و تمنای آن را به دل می پرورانم کامیاب سازد .  
( طلوع افغان )

## نطق علیا حضرت صاحبه

به روز و رود شان به قدهار

نطق عصمت مآبه علیا حضرت صاحبه که روز و رود  
شققت آمود شان بقدھار نموده و جناب ( ع ، ج ، ۱ ، ع )  
آقای عبدالعزیز خان وزیر داخلیه بالوکالت از طرف حضرت  
علیه برای مستقبلان باتفاقی اظهار میداشتند ، ترجمة فارسی آن  
قرار ذیل است :

عمر بیان من !

المددله که بعد از بسیار آرزوها چشم بدیدار تان روش  
شد و وطن خود را دیدم .

بعض شما برای من بعزم عموم و بعض بتایه برادران و بعض  
اولاد میباشدند . وازین گرم جوشی شما اظهار بسیار منویت میکنم .  
برادران من !

علم اسلام از افق ترقی کرده بود و رخته هائیکه دشمنان  
دین ما و شما درین اسلام پیدا کردن از افق است . باید بیورم  
حس کنیم تاهان افق را بگرد و خلا بآن افغانستان که برای  
شما اولاد وطن امید ترقی و تعالی دارد به تعالی برسد . شکر

گذارم خداوند خود را که بکوشش های جوان مردانه  
( امان الله خان ) فرق بسیار پیدا شده است . از خداوند کرم  
طول عمر شان را برای خدمت شما میخواهم ( آین عموم )  
باقی از خلق خود التجا میکنم که جان اعمال در دنیا از شما  
ظاهر شود که روز محشر بحضور خداوند سرخ رو باشد .

## صعود طیاره از کابل

به روز آن در قدهار

روز سچنمه ( ۲۲ ) میزان یک مجلس جشن خلی عالی  
بعض بزرگان و اخلاص کیشان بحضور هاییوی بود ساعت ( ۸ )  
صبح از کابل پرواز نموده به ساعت ( ۱۰ ) در فضای باصفلای  
شهر قدهار نمودار گردید . و چون هایی سعادت و اقبال بر شاهد  
واطراف آن گشت و گذار نمود .

## او ضاع سیاسی پولونی و دول معظمه

لهستان یکانه عامل صلح اروپا است

دولت لهستان را بجهة حضور دریک سلسه کنفرانس های  
عمومی که راجع مملکت پولونی و مر بوط باوضع سیاست آید  
و مصالح و منافع لهستان میباشد بوائشگن دعوت نموده است .  
این دعوت و احساسات صماینه که امر یکانیان نسبت باین

مملکت و ملت ابراز می نمایند حاکی است که در بار اتزون متنهای  
نکهداری و طرفداری از دربار ( ورشو ) می کنند بخصوص از  
آنوقتی که انگلستان متنهای سی و جدید بخراج می داد که  
بلکه این مساعدت و همراهی اتزون نسبت به لهستان کاسته شود .  
باید افکار عامه بر قدیم و برجید رامتوجه و متذکر باین

نکته مهمه نمود که اصر و زده در پرس پرده ظلمت و اغفال آنریک  
ها و توطئه های جدی بعلیه دولت جدید التاسیس لهستان چیده  
می شود باین معنی که متول بوسایط و سایل موثره میشوند  
که یک ائتلاف بین دول اروپا برعلیه و پسر پولونی ایجاد نمایند  
حقیقتاً مکالم بانصافی است یک ملتی که هنوز تازه از قبر برخاسته

ولبس حیات استقلال را در برگردان مجدد و جه مصالحه اغراض  
وحرص و قمع این و آن واقع شده و دوباره از استقلال و هستی  
و آزادی محروم مانده و باعث گردد که حکومت آلان و ساوت  
روسیه باز باهم دیگر مستقیماً از حدود و نفوذ متعدد و متصل شوند .

امروز وجود یک لهستان مقندر و مستقیم بر صلح و سالم  
اروپا و توازن سیاست علم بجهت بقای صلح عالم لازم و ضروری  
است . اگر بولونی از نفعه اروپا محو گشته جزو متصرفات دول  
دیگر گردد ارتباط و اتصال مستقیم روس و آلان چه خطرات  
عظیمه به اروپا و بدنیای کنونی تولید و ایجاد خواهد کرد .  
جای هیچگونه شک و تردید نموده و بهمین جهت دول

فرانسه بس از مخاربات عمومی در مقابل تجاوزات و تعریضات  
حکومت ساویتی علنا از دولت بولونی حمایت و طرفداری نمود  
تا اینکه لهستان از جنگ های روس فاتح و مظفر در آمده استقلال  
و جهات خود را تامین نمود حالیه دول فرانسه بخند بقیعی  
مشغول است که مجال و فرست ایشان بقضایی لهستان عطف

توجهی بسیار ندارد . و رویه هم انتقام دیرینه خویش را در اوین  
فرست و موقعی خواهد بکشد ، و بجهت حصول اینمقصود  
مشغول اقدامات و عملیات سری است بخصوص انگلستان هم  
از لهستان بجهات نعلم دل خوشی ندارد و بهمین سبب حقی  
الامکان بدر بار ور شو تولید مشکلات و محدودرات متعددی نماید .

از بس شوق و ذوق ، فرحت و ابساطیکه از دیدن طیاره  
برای خورد و بزرگ اهالی حاصل گشت همه الحمد لله گویان چشم  
بر آسمان دوخته شکر ایزدی را بجا می آوردند و ترق دولت  
علیه اسلامیه افغانستان را در سایه اعیا حضرت تاجدار دندر  
غازی جوان بخت خود از حضرت قادر لاپزال در خواست  
می نمودند .

هیجان سه طیاره دیگر روز جمعه ( ۲۲ ) میزان از کابل  
پرواز نموده مع اخیر السلامت وارد قدهار گردیده بالای شهر  
واطراف قریب آن چند دقیقه گردش نمود .

طیاره ها در میدان مخصوصی که برای طیاره بحدود کاریز  
صفدر ساخته شده است و به مسافت ۲ میل با طرف شرق شهر  
واقع است فرود آمدند . طیاره های قدهار هر روزه به ساعت  
( ۱۰ ) بالای شهر واطراف گردش می نمایند . ( طلوع افغان )

## صعود طیاره از قندھار

( وزول آن در کابل )

۲۸ میزان ، حیث مند محمد احسان خان قوماندان طیاره  
در حالیکه خطوط ویست عمله هر کاب شاهانه را با فرامین  
هاییونی ، او را که از حضور اقدس خسروانه طور احوال  
برسی و سلام برای اهالی کابل طبع شده بود با خود گرفته  
ساعت ( ۶ ) صبح با طیاره از قدهار بطرف کابل در ارتفاع  
( ۲۷۰۰ ) متر حرکت نموده ساعت ( ۹ ) به کابل رسیده لوانه

حوال برسی اعیا حضرت هاییونی را از جویضنا بالای اهالی  
باصدق و صفاتی آنجا تار سکنان بیدان طیاره هبوط نمود ،  
و فرامین شاهانه ویست عمله را بمقامات مرجوعه آن رسایده  
خبر حرکت طیاره را که فردای آن روز مکرراً طرف قدهار  
بود بر همگان ابلاغ نمودند . فردای آن که روز سچنمه ( ۲۲ )

میزان بود باز از کابل بعد از اخذ عرائض و جواب خطوط  
بالاخی که از طرف اهالی کابل بقسم تبریک و تهنیت زول  
اجال موکب شاهانه بقدھار برای اهالی قدهار بود . به تعداد  
کافی با خود گرفته ساعت ( ۶ ) صبح از کابل جانب قدهار در

ارتفاع ( ۲۲۰۰ ) متر حرکت کنان به ساعت ( ۹ و ۵۰ دقیقه )  
از باعث مخالفت هوا در فضای قدهار نمودار گردید و لون  
مزبوره را بر روی سر کها و بازارها و عمارت شهر اوگنده  
بر ابانج هموم افزود . ( طلوع افغان )

ما این مکاتیب را در بار ور شو تولید مشکلات و محدودرات متعددی نماید .

## (دعوت اسلامی در جنوب افریقا)

انتهای بین عبارتش حیث است که می‌گوید: « مبادی و اصول حزب فاشیست روشنده جنک است بناءً علیه نظر آن را هم نیایست از جنک بخوبی »؛ لایکن جواب و تفسیر کلام فوق جریده (امیر) از خطاب ذیل موسولینی به سهولت معلوم می‌شود: موسولینی در کنفرانس فاشیست که در ماده جوانان اتفاق داشت. افتتاح کلام خود را به ملامت نسودن سرکرده گان احرار نمود. چون که نصرت برای ماست و فرانسویها در این پنج ماه مباریه در اراضی که سابق تایک مسافت بعیدی داخل منطقه فرانسوی بود یک مزیت قاطعه و تماشی حاصل نتوانسته اند. — (الاهرام)

## مطامع اسپانیا در مرآکش

(پادشاه اسپانی آن را چگونه تصویر می‌کند)

لندن - ۲. اکتوبر - جریده (دیل اکسپرس) مصاجبه را که بین وقایع نکار او و پادشاه اسپانی (الفنو) می‌سیند هم در (مدرید) پایتخت اسپانیا واقع شده است نشر نموده است پادشاه اسپانی در این مصاجبه می‌گوید:

« اسپانیا حصه خود را از باریکه برگردان سفیدها (اروپاییها) اقتداره برداشته است. و شک نیست که نتیجه جنگی که در مرآکش جاری است، نسبت به مدنیت مسیحی اهیت بزرگ حیاتی. مادی و ادبی دارد. اکنون مرآکش علی الاجمال اهیت عمده دیده کرده و جسمی ای اهل غربی به تعامل متوجه آن است. این محظوظانه امروزه عبدالکریم برای غافل بردومنات غربی بعمل گشته است. بدست آوردن همراهی روسیه والمان است باو. — (الاهرام)

## (ريف و فرانسه)

لندن - ۳۰ سپتامبر - وقار نگار مخصوص (الاهرام) خبر میدهد که امروز جریده (دیل اکسپرس) تلاعی از طرف مراسل خود که در مرکز قوماندانی عسکر ریف است نشر داده است. این تلاعی افواحی مصاجبه ایست که بین او و (محمد) قائد عسکر ریف واقع شده است. در این مصاجبه محمد مذکور می‌گوید:

« فرانسویها برعلیه ما دو صد هزار عسکر در میدان جنون گرد آورده اند، با این همه، عسکر ریف که مقاومت با آنها دارد، از هژده هزار بیشتر نشد. و فرانسویها شوانتند بر ریف استیلا کنند. و فرضًا اگر به فتح بلاد ریف که من عقیده ندارم — موفق بشوند، ریفها می‌توانند چند سال دیگر هم جنگ بکنند، اگر ضرورت مقتضی آن بود. تا اینکه تمام بیلت متلاشی بشود، فرانسویها تبعیم وسائل و سلطه را برای مطلع کردن ها بر جدید جنوبیه استعمال نمودند، توهیه سنگن، عساکر جرار، طیارات قویه وجود دید ترین مختزمات

## مرکز فرانسه در شمال افریقا \*

لندن - ۲ - اکتوبر - مجله (ستدی ریویو) امروز در یک مقاله اساسی خود مبنی است که اشخاص نفه فرانسه در مسئله امکان جلاء فرانسه از شمالی افریقا به جدیت بحث می‌کنند و می‌گویند که بقاء فرانسه در شمال افریقا مربوط است به شجاعت

و نیابر آنچه که مذکور افاده آنزوی نظر مقتضیات سیاست جاریه امروزه یگانه حامی و مدافع لهستان شده و جدا از دولت مذکور مساعده و طرفداری نمی‌نماید. و این است که رسماؤزیر امور خارجه درباره سورا علی رغم جریانات متضاد پولنیک رویه خارجه درباره سورا علی رغم جریانات متضاد پولنیک رویه و آلمان از یکطرف و انگلستان از طرف دیگر به آنزوی دعوت کرده وزیر امور خارجه لهستان هم به است امریکا حرکت نمود.

اخبار اخیر واشنگتن مشعر براین است که ورود مسیو (اسکرنسک) با امریکا موجات احساس صمیمانه بـ ظیوری را فراهم آورده و از هر طرف از وزیر امور خارجه لهستان اسلامی را در افریقا، یکدسته از رجال باخت که در مصر اندو اغراض شان شخص سیاسی است. مینهایند. ظاهر می‌شود که دیگر ریحله ای پیلوگر غیر مستقیم همیشه در حدود شرقیه باطراباس تنارع دارد. البته بواسطه اراضی نفیه اش با بریتانیا تنارع ایطالیا را احداث کرد و احتفل. دارد که در یک وقوع مسبب بزرگ او بایوگو سلاوا بشود، پس نظر بیان اوضاع، احتمال پیروز که ناپلیون جدید (موسولینی) — در حینکه اخراج یک امپراتوری جدیدی را تعمیم گرفته است — حمله بر بیک ازان سه افریقا از اینها تشکیل یافته است. وطنخواهان مصر از منوف تائیه دعون اسلامی را برای مردم فوق مدرک گردیده اند و از انجا بر قم افریقا سلط پیدا می‌کنند. و البته کامیابی در این میدان برای کسی است که ملت بزرگ (پاشو) با او اخلاص و صدیقیت داشته باشد. (بانسقومی) است که قمت عدد سکان افریقا از اینها تشکیل یافته است. وطنخواهان مصر از منوف تائیه دعون اسلامی را برای مردم فوق مدرک گردیده اند و از اینجا بر قم افریقا سلط پیدا می‌کنند. و البته کامیابی در این میدان برای کسی است که ملت بزرگ (پاشو) با او اخلاص از دست اروپاییها و علائق اتحاد بین قائل را ایجاد و قوی مینماید. می‌شود که چه طوفانهای سختی اروپا را تهدید مینماید برای بیوت این مدعایانات فرمانده کل قوای احرار که در سال (۱۹۲۰) شهر (ورشو) پایتخت بولنی حمله برده و شهر مذکور را از هر طرف در تحت تهدید قرار داده بود کافی است:

بيانات مشاریه در تالیف خودش در تحت عنوان (حمله مأورای رود ویستول) مذکور است. در آن تالیف (توکاروسکی) فرمانده کل می‌گوید:

« جای هیچ گونه شک و تردید نیست که هر کاه مادر ویستول فاج نشوم اقلاب تمام اروپا را مشتعل خواهد ساخت و در خانه کتابش مینماید:

(اگر بتوانیم اردو های بولنی را منهدم سازیم انقلاب مانند سیل تمام اروپای غیربرافراخواهد گرفت، فقط لهستان در سر راه مانزه گزین سدو حایل می‌باشد. موقفیت ما و حکمت مادر تمام اروپا وقتیست که لهستان را ازین راه برداریم) از مقاد عبارات فوق بخوبی معلوم می‌شود که وجود لهستان

چقدر مفید بصلاح و مسلط عالمست. و بخوبی میتوان فهمید با چه خطرات و خیمه اروپا در صورتی که لهستان محو و تابود شود مواجه و مقابل خواهد گردید. و آن وقت باایست تصدیق کرد که آنزوی بجهه استقدار از بولنی نگهداری مینماید. (کازات دولوزان شفق سرخ)

موسیو پاتلوف در مواجهه شدن با حقائق و وضع یک تسویه با عبدالکریم به بهترین شرطکه ممکن باشد. یک هم ازین اشخاص تقدیم کسارت نمی‌تواند که جلاه فرانسه را خواهش کند. ماخوف داریم که مبادا اعمال استعماری فرانسویها در افریقا و نیز در شام متلاشی شود و بهتر برود. ویندر اصلاح اوضاع مالیه فرانسه ازین یشت امکان تأخیر نیست. فرانسویها نمیتوانند غراموش کنند که مطامع استعماری فرانسه هیچگاه برای یک حاجت و ضرورتی که برای بلاد کنیه السکان پیش می‌آید نبوده است بلکه دانما از امور کالیه بوده است. (الاهم)

## جنك باشكستان

اگرچه زینووفرا وادر نموده اند که از نفع‌های روزانه خود که انگلستان را مورد حمله قرار مداد خود داری نماید ولی حالا (فروتن) که یکی از جنکجو ترین کوینت های مسکونیانه جیه اورا بدوش گرفته است. بطوری که مخبر مامینویسد فروز خود را در راس « دسته نظامی » یعنی همان دسته اصلی با عصمه اندیلی و ملام تر هیئت دولت شوروی فشار وارد می‌اورد قرار داده است. فعل ار کان حرب احر بطور جدیت و حرارت مشغول یه تدار کات امکان وقوع بیعت مبارزه و مصادمه مسلح باشكستان بوده و در نتیجه قوای شوروی خود را مجدد استفاده می‌نماید - نقشه قدم جلال (سکوبلاف) را که بر ای حمله بعندهستان کشیده بود حالانز (آرشیو) وزارت جنک شوروی پرون آورده و گویا نقشه منبور اساس تدابیر رؤساققوں احر را تشکیل خواهد داد بطور یک محاذی شوروی اطیبان دارند حمله بعندهستان بوسیله قشون قفقازیه شوروی و قشون مغولستان جدید که خلا بطور عمله مشغول شکیلات آنهاستند اجر اخواهد شد مرکز قشون مذکور در (اورکا) است و صد هزار نفر را میتوانند سان پینند (محتر - ترجمه از روزنامه مورینک پوست)

## \* مکتبهای دختری \*

پیش سال است که مطامع فرانسه کتابی بشیری و شیوه و شهرت و موقیت کتاب « مکتبهای دختری » تالیف (ماریوین کابان) شاهر پرون نداده اند. در اندک مدتی شدت چلب خورد. خود ماریوین کابان پسر یکی از اهالی شهر (پیون) بود که هفت سال قبل به باریس آمد و در اوتان مقرر کوچکی در خیابان (راسیون) زنده گرفت. مکتبهای دختری در خیابان (راسیون) زنده گرفت. و تمام

اسم دختر (آنا) واز کوچکی قیم شدم بود. تا این اواخر بر جور وقوت باقی مانده خواهده خود صبر کرد و در همان شهر (شاملی) محل تولد خود مانده بود. اخیراً دیگر از بی انصاف و بد رفتاری اقوام خود تنک آمده و بطرف باریس آمد که بالتصدیق نامه که از مدرسه هانجا بدست آورده بوده بتواند در مدرسه اطفال درس داده و تحصیل روزی نماید.

بعد از مدتی گردش در مدارس در یکی از مدارس خیابانه (مونهارناس) مستخدم شد که بغير از غذا و منزل ماهی پنجاه فرانک با میدهند و فقط بعد از ظهره های روزی یک شنبه از کارهای خود فارغ میشد هیچکس را در باریس نمی‌شناشد. یک دختر فقیر روستی مانند او چه گونه میتواند آشنایی و مصاحت باصرم داشته باشد این است روز تقطیل که داشت غالباً در کتاب خانه ها و موزه های میگذرانید و اگر هوا صاف و شفاف بود با کتاب خود میآمد بدمعانه لوکزا میورک ماریوس حکایت خود را برای او تقدیل کرد که شاعر فقیری است باریس آمد. ترور تحصیل نماید ولی اکنون آرا از دسترس خود دور میمیشد دختر برحل او متصرف شده و خواهش کرد قطعه از اشعار خود را برای او بخواند.

ماریوس هم قطعه را که روز گذشته در حل حزن و بدینجی نظم کرده بود برای او خواند. (آنا) که معنی در فقر و فاقه را بخوبی میدانست از معنی آن که فقر و بدینجی را بجسم میکرده متاز شده و گریه کرد.

بعد از این مقدمه برخاسته و در باخته گردش کردند و دیگر از هم جدا نشده تا موعد مراجعت دختر به مدرسه و یکشنبه آنده را میعاد قرار دادند.

یکشنبه آنده یکی دیگر ملاقات کرده گردش و محبت میکردند و اگر ساکت میشدند هردو هنگر فرومیرفتند و تصور میکنم هردو یک فکر داشتند و یک عاطفه آنها را سرگرم میکردند. هردو خجالت میکشیدند و از عشق محبت نمی‌کردند اما دختر بد لحن احساس می‌کرد که اورا دوست میدارد و ماریوس هم خیال می‌کرد که اورا دوست میدارد.

روز یکشنبه بعد و بعد باهم ملاقات میکردند و هر دفعه که یکشنبه میآمد (آنا) هم همراه آن میآمد و راهچه جوانی تروتازه و آیات عشق سوزنده را همراه خود برای ماریوس میآورد. دخترک ماریوس را شخص فقیری چون خود پیکس و نهایقه بود که عواطف شریقه و احساسات رفیقه روح او را سرتار کرده است لذا آوقات فراتت خود را در مدرسه مصرف مکابنه

و همچنان مکتبه گذشته بود که ناگهان ماریوس کتاب گرنبهای « مکتبه دختری » را طبع نموده منتشر ساخت و ضجه حیرت و تعجب در علم ادب رخ داد. ذیرا طرز انشاء آن خیلی متنین و خیالات آن هال بود. موضوع راجع بدختر فقیر و بی بضاعتی بود که در یکی از مدارس معلمی میکند و مصادف میشود با محصلی که مثل خود او فقیر بوده. فاشق و دیوانه او میشود. دو انشاء فراغت از کارایی مکتبه هارا نوشته است ولی چه مکتبهایی! پراز معنی جذاب و دلفریب. بی از حرارت و هیجان. فردای اتفاق این کتاب ماریوس مشهور شد و اسم او در مجلات علمی و محفل ادبی موضوع صحبت گردید.

بعضی متعجب بودند که جگونه یک شاعری مثل ماریوس کابان که آن شعر های بدقايفه و سرترا کفته است این خنز تکان دهنده را میتویسد؟ این شخص شاعری پیش نیست امروز جگونه این نثری که بر از ضجه های قلب و اشک عشق بود بدینا تقدیم کرده است. لابد در این کار میری هست. راستی هم در قصیه سرمههی بود و آن سر این بود که کتاب « مکتبهای دختری » تالیف ماریوس کابان بود. بتفصیل ذیل: ماریوس اوائل ورود باریس در یکی از روزهای شنبه خیلی غمگین و در هم شده بود برای این که یک آینده کاریک و مبهی در مقابل خود میدید و از چهار لیه دیگر جیزی باقی نمانده بود آینده هم بر روی او بسمی نکرده بود. دنیا در لظرش تاریک شده بود. یک قطعه نان و قدری پیش خردیده وارد باقیه (لوکرامبولا) شد که در ذیر سایه یکی از درختهای آن غذا بخورد بعد از صرف چاشت در خیابان های آن شروع بقدم زدن نمود در تزدیکی خود چشمش بدینجی افتاد که آب و رنگ زیبائی و جوانی در سورانش پیدا و فقر و فلاکت که آثار آن بر لباس ظاهر بود هنوز توانسته بود بصورت روش و زیبایش دست درازی کند اندام کوچک او خوش ریخت و از پیشانیش عراوت جوانی میدرخشد ازدو جسم آبی او برق هوش میتابید و در نظر اول خوش ذوق و رفیق القاب و حساس جلوه میکرد.

ماریوس جگونه باز تزدیک شد و اولین نگاه آنها چگونه یاکدیگر مصادف گردید. جگونه نیم کردن و چطور در صحبت باز کردن آیا فقر و بد لحنی آنها را یک دیگر معرف کرده و تنهایی و یکسی آنها را یاکدیگر تزدیک کرد. معلوم نیست ولی همین قدر معلوم است که آنها در هزاروز یاکدیگر طرح آشنازی ریخت و بر روی یکی از یکشنبهای باقیه لایه لایه درخت نشسته محبت کردند.

از ماریوس آنرا قربانی بیگناه «بلاک خودبرای استلتوور فروخت و مرتکب قتل و سرقت شد. ولی کسی چه میداند اگر مردم نما به عالم زندگان متوجه باشند شاید و بدکه حقاً (آنا) کتاب ماریوس را بخشدید زیرا او را دوست میداشت و اگر با مرک خود توانسته باشد باو فائمه بر ساند خوشنود خواهد بود.

در هر حال ماریوس از نشراین کتاب اخیر خود استفاده کرد زیرا دختر معمولی را که خواندن این کتاب اورا دیوانه کرده بود گرفت و امروز با کمال حرس و پر رونی میخواهد خود را به اکادمی بیندازد. (از شفق سرخ)

## اد بیات

### از محله دستان

هردم بشارهای دل از هاتق جان میرسد  
هرکس که از جان بگذرد آخر بجانان میرسد  
یکدم میسا روز و شب میردی بجودی طلب  
چون جان زدرد آمد بلب ناگاه درمان میرسد

ره گر دراز آید ترا شب و فراز آید ترا  
چون ترک تاز آید ترا آخر سایان میرسد

اسخانه چون وران شود معمور آبدان شود  
این سرچو پسامان شود ناگه بسامان میرسد

اندیشه و اندوه و غم رنج و تع درد والم  
هریک تهد در دل قدم با حکم فرمان میرسد

در بای اگر خاری بود خار از گلستان میرسد  
زدل اگر باری بود باز بخی باری بود

کرده سفرها در وطن اندر درون خانه ها

هر شب من و دل تاسجر در گوش ویرانه ها  
داریم از دیوانگی بایک دگر افانه ها

اندر شمار بیدلان در جلوه ب حصلان  
ق در حساب عقلان ف در خور فرزانه ها

از خانان آواره ها دردو جهان بیکاره ها  
از درد و غم سیجار مهالز عقل و دین بیگانه ها

از سینه بدم کینه ها آینه کرده سینه ها  
دیدم دران آینه ها عکس رخ جانه ها

ستک ملامت خورده ها از کود گان آزده ها  
تن زندمه دل مرده ها فرزانه هادیانه ها

پریده خوش ای خوشتن پکیخته از ما مامن  
کردم سفرها در وطن اندر درون خانه ها

ماریوس می کرد، این نامه ها خلی رقيق و بایع بود عطر عشق و بحث از کلات آن استیحصال میشد.

ماریوس از این رفیقه تازه خود خلی راضی و خشن بود برای اسکه مونی از برای جوانی تمہای خیود یافته بود و هر روز

مکتوبهای او را که صفحات آن از حرارت عشق روشن بود میخواند امپس از چندی رفته رفته از عشق اوملوں شدو مکاتیب

لورا بدون این که جواب بدهدیک گوش دوردستی می آنداخت و بیلک آریستی درناتر (دیون) آشناش که بکلی اورا از آن منصرف

ساخت محمد بک تصمیم گرفت روابط آشنا خودرا با اهم قطعه سازده متعاقب این حل طیعت خشن روتا این کسی باو نوشت که دیگر

مایل به ملاقات وی نیست این مکتوب مثل طنه خنجری بود بقاب دختر آمال و امیدهار اجاز او مقطوع و رواه چار دزا بر او مسدود

نمود، در عشق ناکام و شکست خورده دم فرو بست و مراوده با ماریوس را قطع کرد. ماریوس هم سرگزم کارهای خود و حوادث ایام او را از فکر کردن بدخته بدمخنی که غیر از او فکر و خیال ندارد منصرف کرد.

بعد از این ماه مکتبی از دختر باو رسید که بیو اطلاع میدارد در غریض خانه (کاشن) بسته افتاده و آتش عشق از او خاکستری پاشتر باقی نگذانه و خدمات روحی مژک او را تزدیک کرده است، این مکتوب پر بود از احترام و تقدیر

واز قاتل خود طاب غفو و مخایش کرده بود ناریوس دید از هر زخی که به قاب قربانی خود زده بود صدای من درست میدارم، بلند شده است.

قابل سخت او از خواندن این نامه متاثر شده و به عیادت او رفت اما خلی دیرو بود آخرین نفس های آیام حیات ازینه دختر خارج نمیشد آخرین کلمه زندگانی بروگوش او گفته و آخرین بوسه عشق را از لبان معود خود برداشت و جان تسلیم کرد.

(آنا) باین شکل مرد ولی ماریوس بحسب تصادف یا بواسعه فراموشی مکاتیب اورا حفظ کرد بعد از ماریوس شدن از رواج دیوان دوم اشعارش شنید در اوقات خود نشته بر بدمخنی خود فکر میکرد مکاتیب (آنا) به خاطرین رسید آنها را جمع آوری کرده و شروع کرد بخواندن زیبائی وقت و بلاغت این نامه های بدیک، عشق املا کرده و جذبه و شوق آن را نوشتند بود او را تکان داد آنها را باخط خود جدا گانه نوشت

و فردای آن هر روز داد به مطیعه و پیغم او بجهش بشد و امروز در انداد زیان بزرگ ادب دیر امید.

از اندرز واید نونه و سرمش پدرهای شرق باشد در معامله بازیزدان خود که پسر آنها لوں و از خود راضی بار نیامده واعصاب او در طی کار و تراجم قوی شده برای جنگ زندگانی نیرومند و توآ شود، و قدر توکل و روت را دانسته آن را در نتیجه بی لیاقت و ندانی و عدم بصیرت صرف شهوات خود و رفاقتیش نماید، چنان که ملاحظه کرده اید بسیاری از آغاز ادهای متمول هینکه بارث پدر دست یافتد چون آقا زاده و عنزیز ولوں وی اطلاع وی بصیرت و دست شکته وضعیف بار آمده بودند و رنجی در تحصیل بول نکشیده بالطیعه قدر و قیمت روت را ندانسته اند هم نروت پدری را تلف وبالآخره کار آنها بگذانی بدمخنی وی اقلاً با استخدام در دواز دولتی با حقوق نازل منجر شده است.

فرزند هنریم هنری!

امین صندوق صورت مخارج شمارا در ماه گذشته برای من ارسال داشت، همین که نگاه کردم دیدم پیش از اندازه که برای شما معین کردم خرج نموده اید. در صورتیکه میخواستم شمارا به مدرسه بفرستم در نظر نداشتم جمع نروت خود را که بایک عمر زحمت و بدمخنی مقاومت جمع نموده ام برای تو خرج نمایم.

ملاحظه کردم که مخارج شما در ظرف دو سال گذشته ماه به ماه زیاد گشته و در عین حال اثری از جدیت شما در تحصیل که شما موجب امیدواری و رضامندی من میتوان باشد نیافرتم در کاغذ های پیش ازین مطلب را بشما تذکر نمیدادم زیرا کان میکردم که عقل شما بالآخره شما را براء راستی و خطه اعتدال کشانیده از پر تکاه بدمخنی جوانهای خام متهم و متمول زاده یعنی جوانهای که بدون رنج وزحمت به دارانی نائل گشته اصراف کاری و هوش رانی مینمایند دور سازد.

اما اکنون که رفتار شما را چنین دیدم ناچار شدم به شما این حقایق را خاطر نشان کرده و بگویم که هیچ این خیال را بخود راه نداده مانند سایر جوانها پیش خود خیال نکن «پدر دارا و متمول و باید جمع این مخارج را عهده دار شود» من از حالا بتو میگویم و هر وقت از مدرسه خارج شدی یک شاهی برای تو خرج نخواهم نمود. و تکلیف پدری من فقط منحصر است بین کهرچه برای مخارج تحصیل و تعلیم شوالازم است فرامه نمایم.

و بس از آن خود تکلیف خود را میدانی و آینده تو مریوط به مرائب سی وزحمات خودت خواهد بود.

راه تحصیل و روت عاجل بی زحمت منحصر باینتکه یا شخص بدارانی میروانی رسیده یا کسی باور و تیخ نخشد، اما در باره شوالاز

نی در بی اندیشه های در خیال پشه ها چون شیرها در پشه ها چون گل فروزان در چون چون شمع سوزان در لگن بر گردشان صد این چمن پرسوخته پروانه ها رخشان چو ماوه مشتی زین گند نیلوفری تابان چو هر خاوری از روزن کاشانه ها مست از می مینای دل بنها ده سردر پای دل آورده از در بای دل بیرون بسی در داده ها کاهی ساده چون کدو از می بلبل تا کلو کاهی فتاده چون سبو لب بربل بیانه ها فوائد خاموشی بزرگی لب از گفتگو بسته داشت در از خلق علم برو بسته داشت بدو گفت روش دلی از ادب چرا بسته داری ز گفتار لب بزر گش بگفت اخنداآونه هوش زیهوده به تا که باشم خوش چه تابسته از ژاوز دارم زبان نهی بینم از زنده گلای زیان چه بسیار اندر سرای سپنج کشیدم ز گفتار بیهوده رنج ملامت شنیدم ز بسیار کس بسود بجهران آن دست رس چو نور از سعادت مرا بود برخ صرا عبرت آموخت دوران چرخ بدانستم این نکته را عاقبت سخن گرمه دلبا و نکوست زیان سخن پیش از سود اوست که تا بشی اندر خور آفرین دهان بسته دار و خوشی گزین اسکر صح و عافیت راسزی سخن کم بگویی و سلامت بزی

## مکتوب پدری

### به پسر خود

سطور ذیل مکتبی است که یکی از تجار امریکا که با همت وسی خود تحصیل نیز را از دانشگاه پسر خود که در دارالفنون (هاوا در) مشغول تحصیل است مینکارد پر است

حالاً اگر چنانچه ایده آل شما در زندگانی اینست که در طرف خود بشما اطمینان میدهم که هر گز بتو جنین دارائی خواهد رسید . و تاند نمی تویک نفر کار آگاه جدی هست که بتوانی یک از شبعت کپانی مارا اداره نمایی بتویکشانی خواهیم داد ، ویرای ایکه امتحان عملی از لیاقت خود نخانیدی باید اول مانند سایر مستخدمین کپانی بکارهای بست آن شروع نموده رفتهر فته مثل سایر مستخدمین بر حسب لیاقت و جرزه که نشان میدهد ترقی نمائید . یعنی اول باید بعنوان مشغیری در مقابل مایی سی دلار مشغول کار شوی زیرا می در اعمال کپانی و کارهای تجارتی فرق میان پسر رئیس کپانی با پسر در بان قائل نیستیم .

و من شخصاً نمی توانم در کپانی مقام عالی بشایدhem ویرفرض اینکه همچه کاری کردم تازه بدرد شما نخورده بحال شما مضر خواهد شد صحیح است میان طبقه عالی کپانی از قبل مدیران ورؤسae محل خالی برای شما هست . اما برای رسیدن بان مقامات مالی آسانیور لازم است که متسافنه نداریم و نمیتوانیم شما را پیشرفت کردنی متفاوت است ومن باید از راه و رسم جوانان هم مسلک خود خارج شوی ... الخ »

این ها همه حرف های پیغمی است و دلیل ضعف اراده است : جوانی که بگویی من فلان کار را کردم برای اینکه سایر جوانهای هم من وسائل من کرده بودند . یک همچو جوانی ضیف الاراده و فاقد قوی عزم و غیر شایسته ترقی و تقدم است و تا آخر زندگانی فیروزی چیز خواهد ماند .

خیلی طول ندهم مختصرآ تاجر باید سه چیزرا دارا باشد تابووند در کارهای خود پیشرفت نماید اول ذوق سليم و قریب دوم احتیاط و مال اندیشه و تدبیر سوم ضمیر روش و صافی .

## حواله خارجیه

### فرانسه

خیلی از جوانی امروزه هستند که خیال میکند فخر و شرافت در دول خارجی و اسراف کاری و ردالت در صرفه جویی و اقتصاد است ، اما چنین نیست پسی و ردالت حقیق در این است که شخص از نتیجه زحمت بازوی دیگران خرج نماید . کسی که بدارانی دیگران متک است هرگز در زندگانی موفق خواهد شد . بسیاری از جوانها این حقایق را نمیفهمند و حاضر نیستند بهمین و همین مسئله علت عدم موفقیت آنها است در جنگ زندگانی لذا در کپانی ما اشخاص زیادی هستند که پیش از زیست سال است مشغول یک کار و انجام یک وظیفه بوده اذان ترقی نکرده اند و اگر پیش آمد های روزگار وستی آنها موجب اقصال آنها از کار نشود برسر همان کار خود تا آخر عمر باقی خواهد ماند و علت آن فقط اینست که حقایق سابق الذکر بی نهاده اند .

خود کامیاب بر آمده . ب ۲۵ میزان — در ناحیه فلاں بوجود بارانهای زیاد این فصل موفق به تصرف کوهستان جبل مسعود گردیده اند . ب

۲۶ میزان — از قرار اطلاعات جبل طارق معلوم می شود که اطلاعات رسمی سابق در خصوص فتوحات اسپانیوها در ملیه و از فرانسویها در علاقه جات شرق اینقدر اهم معلوم نی شود . به تاریخ ۲۴ میزان در حدود اتصال قوه فرانسوی و اسپانی یعنی علاقه شرق خط جنک در نتیجه مصمم ریفیها ، کامل جهار بطاریه فرانسویها تلف گردید ، لاسکن به معاونت قوه هوایی اسپانیوها ۲۴ عراده توب فرانسویها دو باره گرفته شد . به عنان شب بر قراولیخانه های دور دست اسپانی کدر (الحسیمه) بوده ریفیها به تغیر لباس حمله آوردند . ۲۴ فقر اسپانیوی بمقتل رسید صرف یکنفرتولی مشترک که کان افسر شان بود بخات یافت (ب) (انگلستان)

۲۱ میزان — میدرد — اخبارات نشر میکنند که عساکر جبال (بوی چوت) فرانسوی از مقام (سپهجریت ایتمار) عقب نشته اند . (ب) .

۲۶ میزان — سواریک روس . ریاست محلل پذیرانی طیاره عظیمی را که برای ارتباط انگلیس به مصر و هندوستان معین است . داشته است . این طیاره ساعت ۱۱۶ میل هی می کند . محاذل سیاسی لندن تصور می کنند که مستر پیل موقتاً بمحاجی لود ریشنک نائب السلطنت هندوستان تعین شود . ب

بالدون بعیت دیگر افراد کیهه باستایون و کتوریه چیزین را به عنوان مراجعت از مجلس لکار نو پذیرانی نموده خوش آمدید کفت از طرف پادشاه لورد کرو مروکالت نمود . سفرای فرانسه و المان هم حاضر شده بودند . ب میتو چیزین از نتیجه کنفرانس که دران دوستی فرانسه و انگلیس خلق پذیرفته اطهار خوشوقی نموده است . ب

۲۹ میزان — دیروز هیئت وزرا برای اصلاحه را پورت میتو چیزین راجع به کارهای کنفرانس لکار نو منعقد شد . حکومت انگلیس ، میتو بن لوه مرکز ریس جمهور و میتو بن لوه ریس وزرای فرانسه را در کنفرانس لندن که (۸) قوس برای مبالغه امضاء عهد نامه امضا کنند خواهد شد دعوت کرده است . مارشال هند بزرگ ریس جمهور المان هم دعوت شده است . (ب)

(شام)

۲۱ میزان — خبر رسیده است که سورش دمشق باختمام رسیده است و بالغهایی بلکه مردمان محلی توان بزرگی بی ردازند و نیز چند هزار هفتاد نخوبی داده اند . ل

میتو چیزین بمخبرین جرائد گفته است که موافق نامه لکار نو در تاریخ یک اتزبرگی خواهد گذارد . هیچین علاوه کرده که ازین معااهده روح آشی و مسامتکارانه امضا کشند . گان آن صورت حقیقت و وقوع یافته است . میتو چیزین به میتو یاریان اطلاع داده که از ملاقات او در پاریس خیلی خوش وقت میشود . (ب) بریان در جواب اطهار داشت که آمدن او به پاریس متنوع نیست جون که فرانسه حکومت سویت را رسماً شناخته است (ب)

۲۸ میزان — سفیر سویت در پاریس ، شایعه آمدن چیزین را به پاریس تکذیب نموده است . اکادمی علوم اخلاق و سیاسی مارشال پتن را حافظ سوم منوره (شلسنی) معین کرده است (ب)

۲۹ میزان — حکومت فرانس بس ازان که پیشنهادات امریکا را راجع به تنظیم قرضه فرانسه کاملاً بزیر دقت آورد میتو (کایو) وزیر مالیه را مامور همیه پیشنهادی در مقابل آن ساخت . در طی جلسه آخرینی که در روز از جنگ باحضور میتوین لو . بریان و تیمار کمیر عالی فرانسوی و تزلی ونی . دستیک وزامک منعقدگردیده موضوع تحملیه نایحه کلن بو اسٹھانکه آلان کاملاً نرائل خلع سلاح خویش را وفا کرده مطرح گردید است . (ب)

۲۶ میزان — از قرار اطلاعات پاریس خلص تلفات فرانسوی ها که بن لوه داده است تا خر جولای در مراکش ۲۸۲ فقر مقتول (در جرائد هندی ۱۰۰۴۲ - نوشته است) و ۰۰۶ فقر زخمی میباشد . در سیر یا تاکتیک تعداد به ۶۲۴ فقر میرسد . در جنگ مراکش (۹۵۰) میلیون فرانک اخراجات شده است (ب) مراکش

۲۶ میزان — در کنگره زاد یکان سو سیالست کدر (پیش) منعقد شد . میتو بن لوه ریس وزراء اطهار داشته که فعل قوای فرانسه تمام خطوط ارتباطی ریف را در تصرف دارد عبدالکریم (ریس بالغیان) کاملاً در دست قوای فرانسه و اسپانی محصور و وضعیش بس آور است . معهداً برای اراده روح آشی و مسلط و برای احتجاب از خوزبزی دیگر . فرانسه باموافق حکومت اسپانی اطمینان ساقی اعطای استقلال داخلی سیاسی و اداری و تجاری به مردمان ریف و جبل مطابق مواد معاہده بین المللی تجدید نمی نماید . ب

۲۱ میزان — در پاریس تصدیق شده است که فرانسه موضع (سوگر بتو مار) را از باعث تکلیف رساندن آذوقه به آنچه که مانع شروع شدن باران بود . تحملیه نمود . ب درین رایور نوشته است که عبدالکریم در قبائل مجاور بیک جانی قیام دارد . مخبر شهر فیض می نگارد که فرانسه در باقی حمله های

لکار نو با هیچ اشکال جدی در مقابل حکومت و پارلمان تصادم نخواهد کرد و اجرای مواعید متحدهن راجع به نهانی مکث بسیاری در تیریع قبول معاہده منبور خواهد نمود. جرائد المان بالاتفاق عقیده دارند که با معاہده لکار نو، المان بس ازین خواهد توانست بادول معظمه دیگر بطور تساوی رفتار کند. (ب)

۲۷ — میزان انداز مولد جنکی، کارخانه کروب در اشن، این هفته شروع گردیده. ب

چین

بقرار اطلاعات شنگهائی مارشل (۲) برخلاف میکنگ و مکدن گردیده. خیال اتحاد علاوه جات متوجه مطرداً بوسیله شمولت (چیکنگ) (و فو گین) دارد. تا مجلس شورا قانونی ترتیب نماید.

۲۹ میزان — اطلاعات یکن مظہر است که قرار بیان (وائپ فو) ۱۸ علاقه طرفدارش میباشد و دعوای جنال را که در نزدیکی های (تائکن) — ۷ هزار عسکر مکدن را دستگیر نموده است، تردد مینماید. (ب)

یونان

۲۹ میزان — از اتن رسمی اعلان شده که برای بلغارها قوت از (ومی کافو) به معاونت رسیده است. عسکر یونان در توافق (باتیت) حرکت مینمایند و کان که بلغارها علاوه های یونان را تخلیه خواهند نمود. غالباً تصرف (تیری تر) را یونانیها بزودی خواهند نمود. از قرار اطلاعات دیگر اتن معلوم میشود که در نتیجه تخلیه بلغارها علاوه های یونان را حکومت یونان فیصله نموده است که در مرآکثر حاضر خود که تصرف نموده تا وقتیکه کلیه خواهشات اورا از بلغارستان تکمیل نکند. توقف نمایند.

مصر

۲۰ میزان — اطلاعات قاهره مظہر است که وزارت داخلیه اعلان نموده است که بوقت ورود (جرج لاند) نمایند و وکیل عالی بر طانی در مصر. از طلبای دیگر مردم هر کس باعث اخلاق به امنیت عامه و فساد شود حکومت اورا بشدت قبیه خواهد نمود (چون که جرج لاند هنکام وداع خود از لندن دریک جلسه صیافت اظهار آئست به سیاست انگلیس در مصر نموده است که مصریون را به جان آورده امان افغان) مجلس حزب وطنی که بروز چهار شنبه انقاد میافت با مر بولیس منع شد.

در مطبوعه ریاست شرکت رفیق طبع گردید

۲۸ میزان — مردم بعض قصبات دمشق به تحریک بعض محركین دیروز خیال تصرف مؤسسات اداری و نظامی را داشتند در اثر شدیدهای سخت محصور به پناهندگی در محلات دور دست شهر شده و در نتیجه بومبارد مان سخنی فوراً اطاعت کردند. با غیان فیوررا تسلیم و رؤسای ایشان پرداخت وجه خسارت زیادی را با تجویل چندین هزار قنک تعهد نمودند.

۲۹ میزان — در ناحیه ستویداء، عدد زیادی از قبائل اذچار اطاعت نموده اند. در ناحیه دمشق هجج اتفاق نمازه رخ نداده. (ب)

دو جبهه امریکائی در اسکندریه برای امداد سدر کاهای شام وارد شده تا که حفاظت جان و مال تبعه امریکائی را بنماید و از دست برد باعیها آنها را نگهدازد (ب).

بلغارستان

۲۹ میزان — ین سربازان یونان و بلغار در سرحد تصادمی رخ داده، پنج قراول بلغاری کشته شده اند. در نتیجه این واقعه یونان اتمام حجتی به بلغارستان فرستاده و تقاضای پرداخت (۲) میلیون فرانک طلا و پاره شرائط دیگری را در ظرف (۴۸) پیاعیت نموده ایست. موسیو (رندیس) وزیر خارجه یونان استعفا داده و وزیر بحریه بجائی او کفایتاً کار می کند. (ب) نامه نگار ریوتیر مقیم اتن تصدیق می کند که بیک دسته عاکر یونان بقرار او امر حکومت در حدود بلغارستان پیشقد می نماید تا مقام (یترنج) را تصرف خود بیارند. یونان تقاضا نموده که بلغارستان معدورت خواهد و اشخاص مقصود را تغیر نماید. (ب)

در باب حدنه (یل) را پیور نیم رسی اظهار میدارد که عسکر های یونانی بر قراول بلغارستان شدید گردید و قراول بلغارستان حمله نمود و بعد از آن کله باری شروع گردید. (ب)

۲۸ میزان — حکومت فرج کمرک صدور غله باب را به (۵۰) قیصد تنزل داده است (ب).  
(آلنان)

۲۶ میزان — هیئت نماینده کان آلمان در لکار نو، به برلن وارد شدند (ب)

کفرانس صنائع بشیعی چهارم نویبر. باحضور نماینده کان: فرانسه، بلژیک، انگلستان والمان در برلن متعقد خواهد شد (ب)

بعض منابع اطلاعات رسی اظهار میدارند که معاہده